

بررسی کتاب

جنگ سرد

تألیف سر لشکر دکتر ابوالحسن سعادت‌نمند

عنوان «جنگ سرد» نام ناآشنائی نیست همه بیش و کم از نام آن، و بطور محمل و مبهم از مفهوم آن اطلاعی دارند و نیز میدانند که بعد از جنگ جهانی دوم از مهمترین عوامل تغییرات سیاسی و ظهور شورش‌ها و بروز انقلابات محسوب میشود. تا آنجا که میتوان ادعا نمود نقش جنگ سرد در تعیین سرنوشت ملت‌ها و خط مشی سیاسی دول و تحول رژیم‌های مختلفه و کودتاها کمتر از جنگ واقعی نبوده است، و گاه جهان را تالاب پرتگاه جنگ اتمی نیز پیش برده است با تغییراتی که پس از مرگ استالین در کادر رهبری دولت اتحاد جماهیر شوروی پدید آمد و با پیشرفت و مقبولیت یافتن تز «همزیستی مسالمت‌آمیز» ظاهر آن جنگ سرد، گرمی خود را از دست داد و سعی دول برای این بود که وانمود کنند فعالیت‌های وسیع در این زمینه کاهش یافته است.

اما نه در آن هنگام تخفیفی در جنگ سرد پدید آمده است و نه امروزه. بهر حال کتابی که بررسی جنگ سرد را متضمن است، تتبع خود را محدود به سال‌های ۶۲-۱۹۴۵ نموده است که در واقع تاریخ شناخته شدن و صدور شناسنامه سیاسی برای این دشمن آرامش جوامع است. اگر نگاهی به فهرست مآخذ این کتاب بنمائیم، برای ما روشن میشود

که تألیف چنین کتابی مستلزم داشتن اطلاعات وسیع و قدرت تلفیق و تدوین فراوان بوده است .

درموضوع علم سیاست و رشته‌ها و مباحث مختلف آن مآخذ و مدارک ما بسیار محدود است و برای آگاهی از هر مطلب به ناچار باید ضمن داشتن تسلط کافی به زبان‌های بیگانه به مآخذ خارجی متوسل شد .

ترجمه‌ها و تألیفات موجود (بجز تعداد معدودی که محصول تتبع اساتید متخصص است) همه ناقص بوده و برای بیان مطلب رسائی کافی را ندارد. متن‌های موجود که صرفاً برگردان مآخذ خارجی است ، بعلت عدم تسلط مؤلف چه به زبان متن و چه به زبان غالباً گنگ و مبهم است و اگر شخصی هم صرفاً با تکیه آگاهی از زبانهای بیگانه مرتکب تألیف کتابی شده است از قدرت تلفیق و ترکیب محروم بوده و محصولی ارائه داده است که مطلوب طبع صاحب نظران و برآورنده نیاز پژوهندگان نمیتواند باشد .

انگشت گذاشتن روی هر یک از این تألیفات کاری است عبث که ممکن است بحریم قدس عده‌ای از اساتید دانشگاه هم تجاوزشود. خوشبختانه کتاب «جنگ سرد» کتابی است مبری از هر نوع تسامحی که در فوق بدان اشاره شد و در زیر نیز بیشتر با آن آشنا خواهیم شد و گواه مدعای خود را ارائه میدهم.

تاکنون محققین و مفسرین، وقایع سیاسی جهان را از نظر گاههای مختلف توجیه و تعیین کرده‌اند و به‌مراه توجیه روابط دیپلماسی گاه اشارتی نیز به جنبه‌های جنگ سرد کرده‌اند. و حال آنکه وقایع سالهای ۱۹۴۵ بیدمیبایست در زمینه اصلی آن پیاده و مطرح شود و از دیدگاه عامل اصلی همه تحولات و تغییرات که «جنگ سرد» است مورد بررسی قرار گیرد. چنانچه در کتاب جنگ سرد مطمح نظر بوده .

کتاب بطور منطقی جنگ سرد را به سه مرحله مهم تقسیم میکند قسمت اول آن مشتمل بر توجیه وقایعی است که بانی و باعث آن سیاست کرملین در تعقیب هدف «توسعه نفوذ» و «حفظ وضع موجود» بوده بطوریکه سیاست غیر

قاطع دمکراتهای امریکا نتوانست قدمی برای کشورهای اروپای شرقی که بوسیله ارتش سرخ شده بودند بردارد. انعقاد و تشکیل کنفرانسهای مختلفه سران دول فاتح جنگ دوم جهانی در بادی امر برای حل اختلافات و تسکین دادن جراحاتی بود که بیم انتشار آنها و بروز اپیدمی جهانی میرفت «از قبیل کنفرانسهای یالتا، سانفرانسیسکو، پتسدام و غیره...»

ما آنچه که تاکنون از این کنفرانسها میدانستیم محدود به طرح نظرات دول مختلف و انتشار قطع نامهها و استماع موافقت نامهها و تفسیرهای خاص بود.

اما کتاب جنگ سرد چون از دیدگاه اصلی مسائل را تجزیه و تحلیل میکند نشان میدهد که چگونه شوروی برای حفظ وضع موجود و منافع خود پافشاری میکند و مصمم است با اعمال زور و خشونت در میدان جنگ سرد منافع توسعه طلبانه خود را حفظ کند.

در برابر این اقدامات شوروی، مسلماً دول بلوک غرب هم نمیتوانند ساکت بنشینند ناگزیر جبهه بندیها و تأمین تسلیحات لازم برای گسترش و توسعه جنگ سرد آغاز میشود.

ایجاد دولت کمونیستی چین «اغلب مفسرین سیاسی در وقایع داخلی، فساد عمال حکومت، گسترش نفوذ شوروی در جنوب شرقی آسیا، اقدامات نیمه بند امریکا (که بهر حال سابقه ذهنی و علاقه سنتی مستحکمی در مورد اصل عدم مداخله دارد) و از این قبیل میدانند و حال آنکه در این کتاب انگشت روی نقطه حساس مسأله هم گذارده شده و نشان میدهد چگونه جنگ سردی که دول جهان را بخود مشغول کرده بود از گوشه و کنار آثار خود را ظاهر میکند و جهان مبتلا و گرفتار آن زمان، از فعالیتهای جنوب شرقی آسیا بطور مؤثر نمیتواند جلوگیری کند هر چند پیاده روی طولانی ما و طرفدارانش، شرکت مؤثر دهقانان در جنگهای چریکی از عوامل مهم توسعه و نفوذ کمونیسم در چین بود اما نباید فراموش کرد این زمینه را قبلا شوروی با اعمال تاکتیکهای جنگ سرد هموار کرده بود و بالاخره این مبحث با تشکیل دولت چین و اشاره ای به توازن قوا

در خاور دور و وقایع کره و جنگ اعصابی که امریکا در این مسائل برآه انداخت خاتمه مییابد .

قسمت دوم کتاب تبیین مرحله دیگر جنگ سرد است. یعنی زمانی که امریکا در اندیشه اتخاذ سیاسی قاطع و ایجاد «استراتژی روانی» است برای جلوگیری از «توسعه نفوذ». این سیاست بابرگزیده شدن ایزنهاور بمقام ریاست جمهوری (۱۹۵۳) از طرف حزب جمهوریخواه توسط دالس وزیر امور خارجه وقت امریکا مطرح گردید .

در گذشت استالین و تغییر سیاست دو بلوک و دست یافتن شوروی به بمب هیدروژنی (توازن قوا) همه نقطه عطف تاریخ جنگ سرد است. در این مرحله با اعلام اصل «همزیستی مسالمت آمیز» تشنجات بین المللی تخفیف مییابد و سیاست جدید شوروی که دنبال همان سیاست استالین است با ملامت آرامش مطلوب را در اقبال خود ایجاد مینماید و سیاست توسعه نفوذ خود را در خلفا دنبال میکند که به مقابله شدید امریکا و تشدید جنگ سرد منتهی میشود .

اگر جنگ سرد همیشه موجد خطرات جدی برای جامعه جهانی بوده در این کتاب نشان داده شده است چگونه در مواردی میتواند برای پیشرفت دانش بشری مفید باشد و شروع مسابقات فضائی از همین مرحله آغاز میشود که تا زمان حال نیز ادامه دارد و بشر را به کشف بسیاری از مجهولات رهنمون شده است. طرح مسأله جالب مسابقات فضائی از فصول شیرین و عمیق کتاب است . مرحله اخیر با توجه مسابقات اتمی، و سیاست متحول شوروی و درهم شکستن پرده آهنین و جنبشهای ناسیونالیستی آسیا و آفریقا با استنتاجی از هدفهای امریکا پایان مییابد . البته این اشارات بسیار مختصر است و نمیتواند معرف کاملی برای کتاب جنگ سرد و مباحث آن بشود بهر حال گریزی نیست جز توسل به ایجاز و اختصار.

مرحله سوم نیز که با بازگشت حکومت به دمکراتها در امریکا آغاز میشود هر چند انتظار ایجاد آرامش و تسکین مبارزات روانی میرود اما با اعزام ناوگان هفتم امریکا به آبهای کارائیب برای محاصره کشتیهای حامل اسلحه شوروی به کوبا و حشمتناکترین مرحله جنگ سرد آغاز میشود و جهان را در خوف وقوع جنگ سوم جهانی فرو میبرد که با عقب نشینی شوروی دنیا از پرتگاه جنگ دور میشود .